یادداشت روز

صلح می‌خواهید؟ آرام‌شان نگذارید!

۱) اگر صلح و همزیستی، نشانه «تفاهم» است، جنگ، از «تخاصم» حکایت می‌کند. معنای تحمیل جنگ به یک ملت، تحمیل اســـت و نه تفاهم. در چنین موقعیتی نمی‌توان ادعای تفاهم با متجاوز را داشـــت. تفاهم بر ســـر چه چیزی؟ بله، حتماً باید به جنگ پایان داد، اما جنگ تحمیلی با بلند کردن پرچم سفید متوقف نمی‌شود. تنها چاره، مقاومت تا سرحدّ مأیوس کردن و عقب راندن دشمن است.

۲) جنگ تحمیلی اخیر، به سرانجامی که متجاوزان می‌خواستند، نرسید. قرار بود «جنگ تفریحی چند روزه» (نهایتاً چهار تا شش هفته‌ای) باشد، زود تمام شود و دونالد ترامپ را «فاتح‌ترین زمامدار تاریخ آمریکا» کند. کسی که پس از غارت معادن اوکراین و تسخیر ونزوئلا، ایران را به زانو درآورده و منابع و معادنش را غارت می‌کند. اما در هفتمین ماه جنگ، این اتفاق‌نظر در دنیا پدیـــد آمده که ایران، با تاب‌آوری و قدرت‌نمایی خیره‌کننده‌اش، پیروز میدان بوده است.

۳) ترامـــپ و وزیر جنگ او، بالغ بر ســـی بار ادعا کرده‌اند که تمام یا ۹۵ درصد توان نظامی ایران را نابود کرده‌اند. ســـند هم دارند؛ عقب کشیدن نیروها تا اردن و اسرائیل و اقیانوس هند! در همین حال، شبکه الجزیره دیروز گزارش داد: «ایران در آخرین حملات به ناوهای آمریکا، دست به تشدید تنش حساب‌شده زد. ایرانی‌ها نه دو ناو معمولی، بلکه یک ناوشکن موشکی و یک ناو هواپیمابر را هدف قرار دادند که ستون فقرات جنگ است. این حملات موفق می‌تواند بحث‌هایی را در آمریکا درباره اینکه آیا باید جنگ ادامه پیدا کند یا نه، به راه بیندازد». هم‌زمان با تحلیـــل نیویورک‌تایمز مبنی بر اینکه «ایـــران پس از ۶ ماه جنگ اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کرده است»، نظرسنجی اکونومیست/یوگاو نشان می‌دهد: «۵۷ درصد آمریکایی‌ها، جنگ با ایران را تصمیمی اشتباه، و فقط ۲۵ درصد، درست می‌دانند».

۴) ژنرال دیوید پترائوس (فرمانده سابق سنتکام و رئیس اسبق سیا) دیروز اذعان کرد: «رویای فروپاشی حکومت شکست خورد. مهم‌ترین واقعیت این است که هیچ شکافی در ساختار نیروهای نظامی و امنیتی ایران ندیده‌ایم و هیچ مسئولی هم جدا نشده. امید داشتیم میان نهادهای نظامی شکاف ایجاد شود، اما اتفاق نیفتاد و یک میلیون نیروی مسلح همچنان منسجم هستند. راهبرد استقرار پایگاه دیگر کارآیی گذشته را ندارد؛ ایران با توسعه پهپادهای پیشرفته و موشک‌های دوربرد، معادلات نظامی را تغییر داده است. پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس دیگر قابل استفاده نیستند». شـــش ماه قبل هم، ژنرال مکنزی، فرمانده پیشین سنتکام گفته بود: «دنیا و حتی من فکر نمی‌کردیم ایران در مقابل تمام توان آمریکا و اسرائیل و پس از ترور آیت‌الله بتواند بیش از ۲ روز دوام بیاورد. بیش از ۵۰ ســـال زحمت کشیده شد تا پایگاه‌های سنتکام در خاورمیانه تقویت شود و همگی از بین رفته است. اکنون برخلاف نقشه ما، دنیا چیز دیگری را مشاهده می‌کند. ترامپ تصویر امریکا را در دنیا - دارایی که برای آن خیلی هزینه شده بود- بر باد داد».

۵) دشمنی که از نیروی نظامی شجاع و پرتوان ما سیلی خورد، در اصل از دو رکن مهم و به عبارت دقیق‌تر، از یک هویت واحد سیلی خورد؛ پیوند رهبری و مردم. رهبر شـــهید انقلاب، سال‌ها برای چنین روزهای دشواری مهندســـی کرده بود. به نیروهای نظامی، جرئت تولید قدرت بخشیده بود، در حالی که برخی سیاستمداران نفوذزده، ادعا می‌کردند باید بودجه نظامی را صرف توســـعه کرد و توانمندی‌های دفاعی را در مذاکره به حراج گذاشـــت. رهبر انقلاب در عین حال به تقویت ساخت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اهتمام داشت و همدلی و تاب‌آوری ملی را قوت بخشید. دشمنان، او را سیاستمدار حکیمی یافتند که دائماً در حال تقویت زیرساخت‌های اقتدار و پیشرفت کشور بوده است. چنان‌که آسوشیتدپرس نوشـــت: «آیت‌الله خامنه‌ای، در طول بیش از سه دهه رهبری، ایران را به یک قدرت منطقه‌ای و استراتژیک تبدیل کرد».

۶) این تکاپوی تحســـین‌برانگیز، با شهادت مظلومانه رهبر انقلاب به پایان نرسید. بلکه همان شهادت شـــجاعانه، دریای شور و شعور و حماســـه‌آفرینی ملت ایران را به حرکـــت درآورد. هدف کانونی حمله دشمن، وارد کردن شوک به مردم و نظام و از پا درآوردن ایران بود. اما ایران نه‌تنها در اثر شوک سنگین جنایت از پا نیفتاد، بلکه بر پا خاست. اینجا، نقطه آغاز کمانه کردن فشار جنگ و سرشکستگی حیرت‌انگیز دو شرور جهانی (آمریکا و رژیم صهیونیستی) بود. دشمن تحقیرشده پس از معکوس شدن شوک، مجبور بود درباره علت شکست خود بیندیشد. وقتی نقطه قوت ایران در جنگ، همدلی امت و امام است، دشمن طبیعتاً همین نقطه پیوند را هدف می‌گیرد تا صدای واحد را تبدیل به چندددستگی کند. اما دشـــمن در میان ملت ایران منفور است و دعوتش به تفرقه، با انسجام بیشتر پاسخ داده می‌شود. نیرنگ او زمانی می‌تواند مؤثر باشد که عناصری در داخل، با زبان فارســـی، مقاومت و تاب‌آوری ملی را به اسم «عقلانیت و صلح‌طلبی شرافتمندانه و پایان عزتمندانه جنگ»(!) زیر سؤال ببرند، در اوج تهدیدها، خواستار توقف (یک‌طرفه) جنگ شوند و وحدت و همدلی با محوریت ولایت و امامت را بشکنند.

۷) این همان خیانتی است که امثال اشعث بن قیس با ادعای صلح و مذاکره و ضرورت توقف جنگ مرتکب شدند، در لشکر امیرمؤمنان (ع) شکاف انداختند و فتنه خوارج را برساختند. نه‌تنها جنگ مغلوبه شد، بلکه امام را مجبور کردند به جای تعقیب لشکر شام، با شورشیان بازی‌خورده دشمن بجنگد. ادعای اشعث، مصلحت‌اندیشی و صلح‌طلبی بود، اما امام درباره شخصیت فرومایه او فرمود: «إِنَّ امْرَأً دَلَّ عَلَى قَوْمِهِ السَّيْفَ وَ سَاقَ إِلَيْهِمُ الْحَتْفَ لَحَرِيٌّ أَنْ يَمْقُتَهُ الْأَقْرَبُ وَ لَا يَأْمَنَهُ الْأَبْعَدُ. مردی که شمشیر دشمن را به ســـوی قوم خود دلالت و راهنمایی کند و مرگ را به سوی آنان کشاند، سزاوار است خویشاوندان و نزدیکان، او را دشمن دارند و دیگران از شر او ایمن نباشند». (خطبه ۱۹ نهج‌البلاغه)

۸) ادعای صلح‌طلبی و تلاش بـــرای پایان جنگ، در تناقض کامل با کم‌کاری و ســـوءمدیریت، یا اظهار ضعف و نداری و «نمی‌شـــود» و «نمی‌توانیم» اســـت. دلیل عمده جرئت دشـــمن به خیانت در وسط مذاکرات، همین ادبیات ضعف و ناتوانی در کنار عدم رازداری و نِدیدن توانمندی‌هاست. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ» (و پیامبران را به ناحق می‌کشتند)، فرمود: «اما وَاللهِ ما قَتَلُوهُمْ بِأَسْيافِهِمْ وَ لكِنْ اَذاعُوا سِرَّهُمْ وَ اَفْشَوْا عَلَيْهِمْ فَقُتِلوا؛ به خدا سوگند آنان را با شمشیرهایشان نکشتند، بلکه اسرارشان را فاش کردند و سبب قتل آنان شدند». همچنین، امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «بر شما باد رازپوشی در امور دین و دنیا. روایت شده که «افشا کردن، کفر است» و «کسی که افشای اسرار کند، با قاتل شریک است».

۹) اظهار ضعف، غیرعقلانی‌ترین رفتار در هر جنگی اســـت. محل اشـــکال در موضوع اظهار ضعف، فقط عدم رازداری نیست. حتی اگر پای اســـرار در میان باشد، باز هم نباید اظهار ضعف کرد. اظهار بی‌تابی و ناتوانی در برابر فشار، بزرگ‌ترین کمک به دشمن است. ریچارد نفیو (از معماران تحریم‌های فلج‌کننده) در کتاب «هنر تحریم‌ها»، شکستن «استقامت» را مهم‌ترین هدف تحریم می‌خواند و می‌نویسد: «بهترین تعریف استقامت، قاطعیت روحی برای انکار پیروزی کشور تحریم‌کننده و ادامه دادن مسیر خود است. رصد استقامت کشورها، نمایانگر اولویت‌ها و نقاط ضعف برنامه مقاومتی دولت‌ها در مقابل تحریم است. آمریکا برای دستیابی به این تصویر، از اولویت‌های بودجه‌ای، نگرش‌های مردمی، اسناد راهبردی و سخنرانی سران کشور هدف بهره می‌برد. وقتی یک کشور اعتراف می‌کند که مشکل تحریم دارد، تقریباً نیمی از کار انجام شده. اساساً این نوع اعتراف، دشواری‌های خاصی برای هر دولت دارد، چراکه به دشمنانش نشان می‌دهد آسیب‌پذیری‌هایی که دنبالش بودند، کاملاً نمود پیدا کرده است».

۱۰) رهبر گرانقدر انقلاب (حفظه الله تعالی)، ۱۰ روز قبل به مناسبت هفته دولت تأکید کردند: «یکی از امور ضروری برای دستیابی به «ایران هرچه قوی‌تر»، علاوه بر تلاش شبانه‌روزی و ابتکار مستمر، روایت قدرت و قوّت ایران و ملّت عزیز آن می‌باشـــد. ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایتِ و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع و حلِ مشکل است. گاه بیان صادقانه ضعف‌های خود در وقتی که دشمن به روحیّه نیاز دارد، کمک بزرگی به اوست... بلی، هرگاه شنونده این بیان‌های صادقانه تنها مردم و دلسوزان ما باشند، اشکال تقلیل می‌یابد. امّا قوّت و قدرت و نقاط مثبت به‌موجب آموزه قرآنی «و امّا بِنِعمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّث» نیازمند روایت و برجسته‌سازی است... بی‌تَردید هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ‌طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارت‌هایی وارد ساخته، از این پس هم می‌تواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد. لذا قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است».

بقیه در صفحه ۷

گزارش خبری تحلیلی کیهان

مشارکت غربگرایان با ترامپ در حمله به معیشت و امنیت مردم

سرویس سیاسی-

در شـــرایطی کـــه مقاومـــت بی‌نظیر ملّت، کارزار نظامی و فشار حداکثـــری ترامپ را به بن‌بســـت کشانده، مدعیان اصلاحات با طرح کلیدواژه‌های تکراری نظیر «صلح شـــرافتمندانه»، «پایان عزتمندانه جنگ» و «رفراندوم»، از بار مسئولیت خویش شانه خالی کرده و رسماً خط دشمن را برای ادامه جنگ بازخوانی می‌کنند.

در حالـــی که ایران عزیـــز بیش از ۶ ماه است در برابر یک جنگ تمام‌عیار سینه ســـپر کرده و با مقاومت ستودنی خود، ترامپ را کیش‌ومات ساخته، جریان مرعوب و شکست‌خورده داخلی بار دیگر ســـاز تسلیم کوک کرده است. طیفی که بانی اصلی ناترازی‌ها و گره‌های معیشتی امروز اســـت، به‌جای پاســـخگویی، روی اعصـــاب و روان جامعه سورتمه‌ســـواری می‌کند. همان جریانـــی که روزگاری با وعده‌هـــای فانتـــزی و «لبخنددرمانی» ســـفره مردم را کوچک‌تر کـــرد، حالا با پوشش کلیدواژه‌های تکراری نظیر «صلح شرافتمندانه»، «پایان عزتمندانه جنگ» و «رفراندوم» دقیقاً همان خط تحلیلی و عملیاتی دشـــمن را بازخوانی می‌کند تا شکست‌خورده‌های دیروز، بار دیگر نسخه تسلیم بپیچند.

از نظرسنجی پشت شیشه تا سنگر گرفتن پشت رفراندوم

بزرگ‌ترین تناقضِ رفتاری مدعیان اصلاحـــات و بانیـــان وضعیـــت موجود، تناقض آشکار و عمیق آن‌ها در «نسبت با مردم» است. جریانی که الگو و سبک حکمرانی‌اش همـــواره بر پایه بی‌خبری محـــض از کف جامعـــه و بی‌اطلاعی از معیشـــت واقعی طبقات محروم استوار بوده و میزان رضایت یا ناخرسندی افکار عمومی را نه از توان خرید، وضع مسکن و سفره آنان، بلکه از پشت شیشه‌های دودی و بنفش خودروهای لوکس و شاسی‌بلند مدیرانش نظرسنجی می‌کرد، امروز ناگهان در قالبی ژست‌گونه یاد «مردم» در میانه جنگ افتاده است!

این طیف در حـــال حاضر اکثریت مطلق مقـــدرات اجرائی، تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور را در اختیار دارد؛ اما همین که زمان پاســـخگویی و «زنگ حساب» درباره مطالبات معیشتی، کارآمدی و حل مشکلات واقعی جامعه فرامی‌رسد، به‌جای ارائه کارنامه و راهکارهای کارشناســـی، پشـــت کلیدواژه‌هایی ماننـــد «کمبود اختیارات» یا استناد به «اصل ۵۹ قانون اساســـی و رفراندوم» ســـنگر می‌گیرد. طرح موضوع همه‌پرســـی از ســـوی این جریان، نه از ســـر احترام به رأی جامعه یا اعتقاد به ظرفیت‌های قانونی، بلکه یک شوک سیاسی برای شانه خالی کردن از بار مســـئولیت ناکارآمدی و پوششی بر کارنامه‌ای اســـت که در تمام آزمون‌های اقتصـــادی، مدیریتی و دیپلماتیک نمره رد گرفته اســـت. مسئولان و سیاسیونی که در روزهای سخت، فاصله‌شان با جامعه به اندازه ارتفاع شیشـــه‌های خودروهای لوکس‌شان بود، امروز تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند ســـخنگو یا نماینده مردمی باشـــند که تاوان تصمیمات، ناترازی‌ها و سیاست‌های نادرست همان مدیران را با گوشت و پوست خود پرداخت می‌کنند.

مخرج مشترک «روایت ضعف» با کارزار فشار حداکثری ترامپ

در بزنگاه حساســـی که دشمن پس از ناکامـــی در میـــدان جنـــگ و کارزار فشـــار اقتصادی، تمام توان و ســـرمایه رســـانه‌ای خود را روی نبرد شـــناختی، پمپـــاژ ناامیدی و پیوند زدن «آشـــوب داخلی» به «فشـــار خارجـــی» متمرکز کرده، سیاهه مشـــکلاتی که این جریان در رسانه‌ها و ســـخنرانی‌های خود قطار می‌کند بسیار تأمل‌برانگیز است. فهرست کردن مشـــکلات کشور از جمله کاهش صادرات نفت، کسری بودجه، ناترازی‌های عمیق انرژی، مشـــکلات تامین بنزین، چالش‌های پیچیده شبکه بانکی و القای مداوم ناتوانی کشـــور در تامین معیشت اولیه مردم، آن هم بدون ارائه حتی یک نســـخه عقلانی، بومی و عملیاتی، دقیقاً مخرج مشترکی با عملیات روانی ترامپ و اتاق جنگ اقتصادی دشمن در نیویورک و تل‌آویـــو پیدا کرده اســـت. این پمپاژ بی‌وقفه «روایت ضعـــف» و تقلیل دادن یک منازعه پیچیده، همه‌جانبه و راهبردی به یک انتخاب ساده‌لوحانه و فانتزی میان «امتیاز دادن» یا «جنگیدن»، مساوی با دادن آدرس غلط به افکار عمومی و ارسال سیگنال‌های خطرناک و خائنانه به طرف غربی است. پیام این ساده‌سازی‌های مکرر و تحلیل‌های سطحی به کاخ سفید کاملاً روشن و مستقیم است: «فشارها اثر کرده، جامعه ایران دچار دوقطبی عمیق شده و کشور در موضع ضعف قرار دارد!» پیامی که نه تنها مانع جنگ و کاهش فشـــارها نمی‌شـــود، بلکه دقیقاً اشتهای دشمن را برای اعمال تحریم‌های سنگین‌تر، فشار اقتصادی بیشتر و طرح مطالبات جدیدتر و زیاده‌خواهانه‌تر تحریک می‌کند.

سراب عقب‌نشینی

تجربه تاریخی چند دهه گذشـــته و تحلیل رفتـــار بین‌المللی ایالات متحده به‌روشـــنی اثبات کرده که مسئله آمریکا با جمهوری اســـلامی ایران هرگز به یک موضوع خاص، مشـــخص و محدود نظیر انرژی هسته‌ای مربوط نبوده است. صنعت هسته‌ای، توانمندی‌های موشکی، حضور و نفـــوذ منطقه‌ای، ظرفیت‌های دفاعی و تسلیحاتی، مناسبات تجاری و بین‌المللی و حتی نـــوع حکمرانی ایران، همگی در سبد فشار و تحریم واشنگتن قرار دارند و هیچ‌گاه از آن خارج نشده‌اند.

در چنین معادلاتی، اتکا به تحلیل‌های فانتزی، ســـاده‌انگارانه و خوش‌باورانه که تصور می‌کنند با یک عقب‌نشینی کوتاه، دادن یک امتیاز بزرگ یا امضای دو بند حقوقی پرونده خصومت‌ها برای همیشه بسته می‌شود، تن دادن به تسلیم است. در ایـــن فرآیند یک‌طرفـــه، طرف غربی و آمریکایی امتیـــاز اصلی را نقد تحویل می‌گیرد، وعده‌های مبهم و سرخرمن برای کاهش فشار می‌دهد، اما بلافاصله پس از دریافت امتیاز، صورت‌مسئله قبلی را پاک کرده و مطالبات جدیدتر و سنگین‌تری را روی میـــز می‌گـــذارد. اگـــر برای این زیاده‌خواهی‌های اســـتکباری و مطالبات زنجیره‌ای دشـــمن نقطه پایانی تعریف نشـــود، روند عقب‌نشـــینی و امتیازدهی هیچ پایانی نخواهد داشـــت و در نهایت به تضعیف کامل، خلع سلاح و فروپاشی مؤلفه‌های قدرت ملی کشور می‌انجامد.

دیپلماسی متکی بر قدرت و بازدارندگی

خطای فاحش و خسارت‌بار دیگری که بارها از سوی بانیان وضعیت موجود و مدعیان اصلاحات تکرار شده و می‌شود، قـــرار دادن دو مفهـــوم «دیپلماســـی» و «مقاومـــت» در برابر یکدیگر اســـت. دیپلماسی سیاسی و بازدارندگی میدانی دو ابزار متعارض و ناسازگار نیستند، بلکه دو کفه یک ترازو و مکمل‌های حیات در جعبه‌ابزار سیاست خارجی کشور محسوب می‌شوند. کشوری که صرفاً به گفت‌وگو و مذاکره متکی باشد و خود را از اهرم‌های فشـــار، توان دفاعی، پایداری اقتصادی و قدرت بازدارندگی تهی کند، پشـــت میز گفت‌وگو نیز فرآیندی جز تحویل دادن امتیازات یک‌طرفـــه، امضای توافق‌های یکجانبـــه و پذیـــرش دیکته‌های طرف مقابـــل تجربه نخواهد کرد. نکته کلیدی که در تحلیل‌های ســـاده‌انگارانه نادیده گرفته می‌شـــود این اســـت کـــه آمریکا حتی از خودِ ابزار «مذاکره» نه برای حل مسالمت‌آمیز مسائل، بلکه به عنوان یک وســـیله فشار و ابزاری برای انفعال طرف مقابل استفاده می‌کند. دیپلماسی موفق الزاماً دیپلماسی امتیازدهی و عقب‌نشینی نیســـت، بلکه هنرِ تبدیل قدرت میدانی، پایـــداری اقتصادی، انســـجام داخلی و اقتدار نظامی به دســـتاوردهای ملموس و موازنـــه سیاســـی در عرصه بین‌المللی است. گفت‌وگو و مذاکره زمانی به نتیجه مطلوب و متوازن می‌رسد که طرف مقابل بداند ایران گزینه‌های متعدد، هوشمندانه و قدرتمندی روی میز دارد و هزینه فشار بر ایران بسیار بیشتر از منافع آن خواهد بود.

کاسبان تنش و بزک دشمن

در کنـــار ســـاده‌لوحان، جریان‌های به‌مراتب سَـــمّی‌تری در عرصه سیاسی حضور دارند؛ کسانی که در روزهای سخت مقاومت ملی و ایستادگی همه‌جانبه مردم در برابر تجاوزهـــا و تحریم‌های ظالمانه غایبند و روزه سکوت می‌گیرند، اما دقیقاً در بزنگاه‌هایی که جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، همدلی و انسجام درونی است، وارد معرکه می‌شوند. کارویژه اصلـــی این طیف، ایجـــاد دوقطبی‌های کاذب، بزک ســـیمای شیطانی آمریکا و تطهیر خروج یکجانبه غربی‌ها از توافقات بین‌المللی است.

این جریان متناقض با متهم‌ســـازی خادمان کشـــور، تشکیک در راهبردهای بازدارندگـــی، زیر ســـؤال بردن نیروهای دفاعی و القای بن‌بســـت موهوم در اداره امور، دقیقاً همان خوراکی را تامین می‌کند کـــه اتاق‌های فکر واشـــنگتن، تل‌آویو و اپوزیسیون خارج‌نشین برای پمپاژ ناامیدی و کشـــاندن تنش‌ها به کف خیابان به آن نیـــاز دارند. ترامـــپ و تیم همراهش که پس از ماه‌ها پایـــداری ملت ایران، برای جبران ناکامی‌های خود به عملیات روانی و التماس رسانه‌ای متوسل شده‌اند، بیش از هر چیز به همین اختلافات ساختگی، مواضع شاذ و تضعیف انسجام ملی امید بسته‌اند تا شاید از دل این فضاسازی‌ها، برای خود پیروزی خیالی دست‌پا نمایند.

لزوم آرایش تمام عیار در برابر دشمن

معادله حاکم بر روابط ایران و جبهه استکبار به سرکردگی آمریکا، یک مسئله پیچیـــده و چندمجهولی اســـت و هرگز با پاســـخ‌های تک‌مجهولی، شـــتاب‌زده، ساده‌لوحانه و نسخه‌های شکست‌خورده قبلـــی حل نخواهد شـــد. اگر دشـــمن از مجموعـــه‌ای از ابزارها شـــامل جنگ اقتصادی، تحریم، تهدید نظامی، عملیات روانی و نبرد شـــناختی استفاده می‌کند، پاسخ جمهوری اســـلامی ایران نیز باید هوشمندانه، چندوجهی، متکی بر قدرت ملی و آراسته به انسجام داخلی باشد.

راهبرد عقلانی و عزتمندانه آن است که مقاومت، توان دفاعی، دیپلماسی فعال، مقاوم‌سازی اقتصاد و انسجام داخلی کاملاً هم‌راســـتا، هم‌افزا و در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ مذاکره برای کسب امتیاز، مقاومت برای جلوگیری از تحمیل زیاده‌خواهی‌ها و قدرت ملی برای افزایش توان چانه‌زنی دیپلماتیک.

ملت بـــزرگ ایران بارهـــا در تاریخ معاصر نشـــان داده است که تفاوت میان «دیپلماسی مقتدرانه و متکی بر قدرت» را با «نسخه تسلیم و انفعال» به‌خوبی درک می‌کند. امروز زمان آن فرا رسیده که بانیان وضعیت موجود و دارندگان کارنامه‌های سوخته اقتصادی و دیپلماتیک، به‌جای فرار از پاســـخگویی، آدرس‌های انحرافی دادن و بازی با کارت‌های نخ‌نما شده‌ای چون رفراندوم، مسئولیت عملکرد گذشته خود را بپذیرند و اجازه دهند کشـــور در ســـایه عقلانیت، وحدت ملـــی و آرایش اقتصادی هوشمندانه، مسیر اقتدار، عبور از محاصره و حل مشـــکلات واقعی مردم را با صلابت طی کند.

سرلشکر عبداللهی: دنیای آینده به نفع ملت ایران و با افول قطعی قدرت آمریکا رقم خواهد خورد

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تأکید کرد: به فضل الهی، دنیای آینده با دنیای گذشته متفاوت خواهد بود؛ تفاوتی که به نفع ملت ایران و همراه با افول قطعی قـــدرت آمریکا رقم خواهد خورد.

سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهـــای مســـلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضـــرت خاتم‌الانبیـــا(ص) در نشســـت تخصصی متولیان عرصه جنگ نرم، با اشاره به ابعاد پیچیده توطئه‌های همه‌جانبه نظام ســـلطه علیه کشورمان تأکید کرد: روایت جنگ و پیشی‌گرفتن از جنگ سخت، یک هنر سترگ است و امروز دشمن یک جنگ تمام‌عیار ترکیبی، نرم و شـــناختی به ملت و کشـــور ایران تحمیل کرده است. وی با تبیین ریشه‌های استکباری و محاســـبات غلط دشمنان افـــزود: ملتی که بـــه خداوند متعال اتکا داشته باشد، همواره پیروز میدان است. آمریکایی‌ها بیش از هشتاد سال است که از هیچ کشوری جواب منفی نشنیده‌اند و انتظار و تصور غلط آن‌ها پیش از تجاوز به ایران نیز تســـلیم این ملت بزرگ بود؛ خیالی باطل که هرگز محقق نخواهد شد.

رئیس ســـتاد کل نیروهای مســـلح با اشـــاره به راهبرد دشـــمنان آمریکایی و صهیونیســـتی در جبران شکست‌های منطقه‌ای و نظامـــی در جنگ با ایران و جبهـــه مقاومت تصریح کرد: دشـــمنان صهیونیستی و آمریکایی تلاش می‌کنند خلأها و شکســـت‌های راهبردی خود را با جنگ نرم، شـــناختی و فشار اقتصادی جبران کنند، اما به فضل الهی و با شجاعت مردم و تدبیر مســـئولان کشور، در این عرصه نیز قطعاً کاری از پیش نخواهند برد و شکســـت دیگری را بر کارنامه خفت‌بار خـــود در جنگ نظامی علیه ایران اضافه خواهند کرد. سرلشکر عبداللهی با اشاره به الگوســـازی انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان گفت: جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعتقاد راسخ به ارزش‌های الهی و ملی، الگوی جدیدی از مقاومت را به جهانیان ارائه کرده است. به فضل الهی، دنیای آینده با دنیای گذشـــته متفاوت خواهد بود؛ تفاوتی که به نفع ملت ایران و همراه با افول قطعی قدرت آمریکا رقم خواهد خورد.

خبر ویژه

بازی جدید علیه «غیرت ملی» با اسم رمز رفراندوم

روزی نیســـت که دنباله‌های جریان مدعی اصلاحات با تولید حواشـــی تازه، هزینه‌های ادراکی جبهه خودی را ســـنگین‌تر نکنند؛ یک روز از «صلح شرافتمندانه» می‌گویند، روزی «پایان عزتمندانه جنگ» را نسخه می‌کنند و حالا هم کلیدواژه «رفراندوم» را به عنوان ابزاری برای شانه خالی کردن از مسئولیت بازنشر می‌دهند.

پرســـش اساسی این اســـت: چرا این جریان اصرار دارد صحنه را طوری وارونه تصویر کند که گویی ما به خاک آمریکا تجاوز کرده‌ایم و حالا ما باید متقاضی پایان جنگ باشیم؟

تجربه تفاهم‌نامه پس از آتش‌بس در «جنگ رمضان» اثبات کرد که آمریکا همه بندهای تفاهم‌نامه را زیر پا گذاشت. اما با وجود این بدعهدی آشکار، جریان وادادہ به‌گونه‌ای فضاسازی می‌کند که گویی ایران مقصر خروج از تفاهم است!

در همین راســـتا، مصطفی‌هاشـــمی‌طبا با فرار به جلـــو و طرح موضوع همه‌پرسی اظهار کرده است: «اگر رسانه‌هایی معتقدند دیدگاهشان مورد قبول مردم است، می‌توانند از برگزاری یک رفراندوم حمایت کنند. همه‌پرسی کار عجیبی نیست... اما به نظر می‌رسد برخی از این افراد از رفراندوم هراس دارند.»

وی در ادامه مدعی شده است: «کدام جنگی بوده که پایان نداشته باشد؟... ادامه چنین شـــرایطی می‌تواند برای مردم، کشور و نظام جمهوری اسلامی خسارت‌بار باشد... مردم چه گناهی کرده‌اند که گروهی با یک دیدگاه خاص بخواهند نظر خود را بر جامعه تحمیل کنند؟»

طرح شـــعار رفراندوم در شرایط دفاع مشروع، چیزی جز آدرس انحرافی دادن برای تطهیر دشمن متجاوز نیست. بین «جنگ‌طلبی» و «دفاع مقدس» تفاوتی بنیادین وجود دارد. کشوری که مورد هجوم قرار گرفته، جنگ را انتخاب نکرده بلکه ایستادگی را برگزیده است. تبدیل مفهوم «دفاع از تمامیت ارضی» به یک مسئله جناحی و پنهان‌شدن پشت واژه رفراندوم، تنها شانه خالی کردن از غیرت ملی و تکمیل‌کننده پازل فشار دشمن بر مردم ایران است.

نمایشنامه ترامپ لو رفت

تنها گزینه ترامپ، «اعلام پیروزی نمایشـــی» است؛ این گزاره در حالی مطرح شد که رئیس‌جمهور آمریکا در باتلاق تنگه گرفتار شده و برای حفظ اکثریـــت جمهوری‌خواهان در کنگره، بیش از هر زمان دیگری به یک «برگ برنده» نیاز دارد؛ حتی اگر این برگ برنده، نمایشـــی ســـاختگی از اعلام یک پیروزی باشد.

«انتخابات میان‌دوره‌ای» آمریکا که هر چهار ســـال یک‌بار در میانه دوره ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود، صرفاً یک رقابت انتخاباتی معمولی نیست؛ در این انتخابات سرنوشـــت تمام ۴۳۵ کرســـی مجلس نمایندگان و حدود یک‌ســـوم کرسی‌های (۱۰۰ کرسی) سنا مشخص می‌شود و همزمان، رقابت بر ســـر فرمانداری‌ها و بسیاری از مناصب محلی نیز در جریان است. نتیجه این انتخابات می‌تواند دست رئیس‌جمهور را برای پیشبرد سیاست‌هایش باز کند یا کنگره را به اهرم فشاری علیه کاخ سفید تبدیل کند.

ترامپ نیـــز این واقعیت را به خوبی می‌داند؛ او برای اثرگذاری بر فضای سیاسی آمریکا و کمک به حفظ جایگاه جمهوری‌خواهان در کنگره، به چیزی بیـــش از وعده و تبلیغات انتخاباتی نیـــاز دارد؛ اما اعتبار خود و حزب حامی سیاست‌های او به واسطه و قمار بر سر تنگه هرمز و سیاست‌های هیجانی و غلط از دست رفته و او نیاز به تصویری جعلی و قابل فروش برای حفظ جایگاه خود دارد. «ناتان گوتمن»، خبرنگار شبکه ۱۱ رژیم صهیونی از سناریوی ترامپ پرده برداشت و گفت که «ترامپ به دنبال اعلام پیروزی ساختگی است تا بر نتیجه انتخابات کنگره تاثیر بگذارد».

وی افزود: «طبق گزارش‌های آمریکا، ترامپ در حال بررسی اعلام مجدد پیروزی آمریکاست؛ حتی اگر فقط یک اعلام نمادین باشد».

گوتمن ادامه داد: «در کاخ ســـفید بـــه خوبی آگاهند که مردم آمریکا از جنگ خسته شده‌اند، انتخابات میان‌دوره‌ای نزدیک است و شاید بهتر باشد چیزی به مردم آمریکا داده شود؛ مثلاً به شکل یک اعلام یک‌طرفه پیروزی، ترامپ به دنبال «پیروزی نمادین» در جنگ با ایران است».

به این ترتیب، آنچه در حال شکل‌گیری است، بیش از آنکه یک عملیات نظامی باشـــد، یک تبلیغات رسانه‌ای- انتخاباتی است و تبدیل یک وضعیت پرهزینه و فرسایشـــی به تصویری که بتوان آن را در سخنرانی‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و تبلیغات انتخاباتی به عنوان «پیروزی ترامپ» جا زد.

مدیریت افکار عمومی و تاثیر بر نتایج انتخابات بخشی از نمایشنامه ترامپ بود که توسط رسانه صهیونیستی لو رفت؛ اما مسئله اینجاست که وقتی پیروزی در میدان به دست نیاید، آیا می‌توان آن را با اعلامیه، انتشار پیام در «تروث سوشال» یا مصاحبه با تلویزیون ساخت؟!

به عبارت دیگر، ترامپ با اســـتفاده از چه حقه‌ای، واقعیت‌های میدان را در قـــاب تلویزیون یا فضای مجازی دگرگون می‌کند؟! عوامل جنگی که قرار بود به سقوط نظام و تجزیه ایران ختم شود؛ امروز به پیروزی نمادین بسنده کرده و برای ماندن در قدرت و افزایش اعتبار سناریو می‌نویسند. این همان درماندگی ناشی از تصمیمات هیجانی و محاسبات غلط است که از رویارویی با ایران به جا مانده و اعتراف به آن پایان عمر سیاسی رئیس‌جمهور تاجرپیشه و خانواده اوست؛ به همین دلیل ترامپ به فروش تصویر جعلی روی آورده و از اعتراف به خطاگریزان است.

گفت و شنود

پشت و رو...!

گفت: آقای روحانی، رئیس‌جمهور اسبق گفته است «برای ادامه جنگ باید نظر مردم را بپرسیم»!

گفتم: یعنی بعد از حمله دشـــمن باید ابتدا دست به یک رفراندوم بزنیم و از مردم بپرسیم که آیا حاضرید در مقابل حمله دشمن از خود دفاع کنیم یا نه؟!

گفت: منظورش این است که کشور را تسلیم دشمن کنیم! چون تا بخواهیم ده بیست روز را صرف رفراندوم کنیم، آمریکا و رژیم صهیونیستی ایران را تصرف، مردم را قتل‌عام و کشور را شخم زده‌اند! مگر مردم با رای به قانون اساسی، دفاع از کشور را برعهده نیروهای نظامی نگذاشته‌اند؟!

گفتم: او می‌داند که آمریکا و رژیم صهیونی به ما حمله کرده‌اند؟ پس چرا به جای کلمه دفاع، از کلمه جنگ استفاده کرده است؟!

گفت: یکی از کاربران در فضای مجازی از ایشان پرسیده است؛ وقتی یازده تن اورانیوم رو که دادی رفت، از مردم نظر پرســـیدی؟!... فاجعه برجام را که به ملت تحمیل کردی از مردم پرســـیدی؟!... بنزین رو می‌خواستی گرون کنی از مردم نظر پرسیدی؟!... وقتی سکه‌های طلای بی‌زبون را ریختی توی جیب کسانی که برجام ننگین را به ملت تحمیل کرده بودند، از مردم پرسیدی؟! و... مخاطب ایشان مردم خودمان هستند یا به دشمن پیام ضعف می‌دهد؟!

**گفتم: چه عرض کنم؟! دانش‌آموزی پیراهنش را پشت و رو پوشیده بود. مادرش گ